

جریان‌شناسی روایان احادیث «معرفة الله بالامام»

مهدی زره ساز

دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

(نویسنده مسئول) دکتر غلامرضا رئیس‌یان

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

حسن نقی زاده

استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

naghizadeh@um.ac.ir

دکتر امداد توران

استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران

چکیده

در آثار حدیثی شیعه پیرامون اساسی‌ترین مبحث الهیاتی یعنی موضوع معرفت خداوند متعال روایات فراوانی مشاهده می‌شود. بعضی از این احادیث، بر این مطلب تأکید دارند که شناخت خدا تنها به وساطت امام معصوم امکان‌پذیر است. در این گونه روایات، اهل بیت علیهم السلام واجد مقامات بلندی همچون باب الله و وجه الله بوده و از این رو، به عنوان تنها راه رسیدن به خدا شناسی برای مردمان معرفی شده‌اند. از رهگذر مطالعات تاریخی، وجود جریان‌های مختلفی از اصحاب و روایان دوران حضور ائمه علیهم السلام همچون جریان غالیان و یا متهمان به غلو، جریان محدثان فقیه و جریان متکلمان منسوب به هشام بن حکم قابل اثبات است. در این نوشتار سعی بر آن است تا با روش توصیفی-تحلیلی به جریان‌شناسی روایان این دسته از احادیث پرداخته و نقش هر یک از این جریان‌ها در انتقال این گونه احادیث را باز یابیم. با بررسی‌های انجام شده، روشن می‌شود که هر سه جریان در نقل این روایات سهیم‌اند و حتی جریان غالیان و متهمان به غلو در انتقال این مضامین سهم کمتری نسبت به جریان محدثان فقیه داراست. بنابراین می‌توان از غالیانه نبودن این قسم از روایات، به دلیل پذیرش مضامین آن‌ها توسط اصحاب با گرایش‌های متفاوت فکری سخن گفت.

کلید واژه‌ها: «معرفة الله، معرفة الامام، جریان‌شناسی روایان، متهمان به غلو»

درآمد

حدیث پس از قرآن کریم، به عنوان منبع اصلی دین شناسی در اسلام به شمار رفته و راویان احادیث نقش کلیدی در حفظ و انتقال معارف دینی ایفا کرده‌اند. تصور یکسان بودن سطح فکری تمام اصحاب ائمه به نظر نادرست می‌رسد؛ زیرا شواهد نشان می‌دهد که در میان یاران ائمه، اختلاف نظر و تنوع گرایش‌های فکری وجود داشته است. این تنوع به شکل‌گیری مکاتب و جریانات مختلف منجر شده است. در این راستا، برخی پژوهشگران معاصر راویان را به سه دسته کلی تقسیم می‌کنند: راویان متمایل به جریان کلامی که به بحث‌های اعتقادی و بحث و جدل با مخالفان شیعه پرداخته، راویان متمایل به جریان فقهی که سهم قابل توجهی در نقل احادیث احکام ایفا کرده، و راویان اسرار معارف که به مضامین عمیق مربوط به مقامات بلند اهل بیت علیهم السلام توجه بیشتری داشته‌اند.^۱ این جریان‌ها و طیف‌های مختلف اصحاب، در حوزه‌های جغرافیایی خاصی رشد کرده و موجب پیدایش مکاتب یا مدارس کلامی و حدیثی گردیده است. مقصود از مدرسه یا مکتب در اینجا، حوزه فرهنگی-جغرافیایی است که مجموعه‌ای از متخصصان در یک رشته علمی معین در تعامل با یکدیگر در یک محدوده جغرافیایی محصولات علمی نوین تولید می‌کنند.^۲

در مدرسه کوفه، هشام بن حکم به عنوان سردمدار جریان کلامی و اصحاب وی، به تبیین عقلانی معارف و حیانی همت گمارده و با متن‌اندیشی به تنویر کردن معارف دینی می‌پرداختند.^۳ این جریان فکری در نسل‌های بعدی در راویانی همچون ابومالک حضرمی و یونس بن عبد الرحمن ادامه یافت. با حضور علمی گسترده هشام بن حکم در بغداد می‌توان گفت این جریان نقش مؤثری در شکل‌گیری مکتب عقل‌گرای بغداد ایفا نمود.^۴ از سوی دیگر، میراث‌دار این جریان در قم، علی بن ابراهیم قمی است که میراث فکری هشام و یونس بن عبد الرحمن را از پدرش ابراهیم بن هاشم و محمد بن عیسی بن عبید به قم منتقل کرد.^۵ همین‌طور اندیشه‌های جریان هشام بن حکم توسط فضل بن شاذان و پدرش به نیشابور انتقال یافت و از این رو شاگردان بی‌واسطه و با واسطه‌ی ابن شاذان، همچون علی بن محمد بن قتیبه، محمد بن اسماعیل بندقی، عیاشی و کشی در حوزه خراسان، از طرفداران جریان هشام بن حکم به شمار می‌روند.^۶

جریان دیگر مدرسه کوفه را می‌توان با عنوان متکلمان متن‌محور یا محدثان متکلم یاد کرد. این جریان بر خلاف جریان پیشین، بیشتر سعی خود را صرف تبیین متن‌محور معارف و کشف نظام معرفتی درون روایات می‌نمودند. فهم دقیق روایات، فارغ از بحث و جدل با مخالفان، از ویژگی‌های این جریان به شمار می‌رود. راویانی همچون ابان بن تغلب، محمد بن مسلم،

۱- سند، بحوث فی مبانی علم الرجال، ۸۰/۲.

۲- سبحانی، «کلام امامیه: ریشه‌ها و رویش‌ها»، ۹.

۳- کرباسی، «مدرسه کلامی کوفه»، ۴۷.

۴- رضاداد، مکتب حدیثی بغداد، ۸۳-۸۶.

۵- طالقانی، «مدرسه کلامی قم»، ۸۳.

۶- رضایی، «امتداد جریان فکری هشام بن حکم تا شکل‌گیری مدرسه کلامی بغداد»، ۱۰۱.

ابوبصیر را می‌توان از این طیف به شمار آورد.^۷ راویان متعلق به این جریان بیشترین سهم را در نقل روایات فقهی، دارا هستند و لذا در این نوشتار از آن‌ها با عنوان محدثانِ فقیه نیز یاد می‌شود. خط فکری احمد بن محمد بن عیسی اشعری، به عنوان امتداد جریان محدثانِ متکلم کوفه به شمار می‌رفت. وی به صورت گسترده‌ای در انتقال میراث کوفه به قم، نقش آفرینی کرد.^۸ از ویژگی‌های او تلاش در مسیر مبارزه با جریان غلو و جلوگیری از انتشار میراث جریان‌های انحرافی در قم است.^۹ بزرگانی همچون سعد بن عبدالله اشعری، محمد بن یحیی عطار، عبدالله بن جعفر حمیری را می‌توان به عنوان شاگردان و ادامه دهندگان خط فکری او نام برد.^{۱۰}

جریان غالبان و متهمان به غلو از دیگر جریان‌هایی است که در مدرسه کوفه پدید آمد و مانند دیگر جریان‌ها توسعه جغرافیایی یافت. آثار غالبان به سردمداری افرادی چون ابوالخطاب و مغیره بن سعید به دلیل تحذیر شیعه از ناحیه امامان از نزدیک شدن به این گروه، به طبقات بعد منتقل نشد.^{۱۱} اما آثار جریان متهمان به غلو به طور گسترده در میراث حدیثی شیعه به چشم می‌خورد، اما این گروه در عین حال از سوی برخی از رجال‌شناسان یا افراد منتسب به جریان‌های دیگر، رمی به غلو شده و این نسبت‌دهی به دلیل کثرت نقل برخی مضامین خاص در موضوع مقامات بلند مرتبه ائمه علیهم السلام صورت گرفته است. افرادی چون جابر بن یزید جعفی، مفضل بن عمر، محمد بن سنان در این دسته جای می‌گیرند.^{۱۲}

طرح مسئله

از میان موضوعات حدیثی مختلف، عنوان «معرفة الله بالامام» به عنوان یکی از موضوعات مهم بازگو شده توسط امامان به عنوان معلمان توحید، نیازمند بررسی دقیق‌تری است. مطالعه سلسله اسانید این روایات با رویکرد جریان‌شناسی راویان این احادیث، می‌تواند به ما کمک کند تا دریابیم که چه جریان‌ها با چه گرایش‌های فکری خاص به نقل این دسته از احادیث مبادرت ورزیده‌اند. با توجه به تنوع جریانات اصحاب و راویان در دوران ائمه علیهم السلام، همچنین با توجه به محتوای احادیث معرفة الله بالامام که حاکی از عظمت مقام اهل بیت علیهم السلام با عناوینی همچون باب الله و وجه الله است، این

۷ - کرباسی، «مدرسه کلامی کوفه»، ۵۴-۵۷.

۸ - طالقانی، «مدرسه کلامی قم»، ۷۷.

۹ - ر.ک: نجاشی، رجال، ۱۸۵.

۱۰ - طالقانی، «مدرسه کلامی قم»، ۷۷-۸۱.

۱۱ - کرباسی، «مدرسه کلامی کوفه»، ۵۸.

۱۲ - کرباسی، «مدرسه کلامی کوفه»، ۵۸-۵۹.

مسئله به عنوان پرسش اصلی این نوشتار مطرح می شود که کدام یک از این جریان ها نقش بیشتری در نقل این روایات ایفا کرده اند. آیا این نقش تنها به غالیان و متهمان به غلو منحصر و محدود است؟ به فرض صحت این مطلب، شائبه جعل این گونه احادیث از سوی غالیان به دلیل افراط در علو مقام اهل بیت علیهم السلام، به ذهن متبادر می شود. لیکن، با پیش فرض پذیرش محتوای روایات توسط ناقلان احادیث و اثبات نقل این روایات توسط جریانات حدیثی دیگر، غالیانه دانستن این مضامین مشکل خواهد بود. لازم به ذکر است که در این نوشتار اعتبار سنجی احادیث به روش سندی در دستور کار نیست. اما برای صحت سنجی انتساب روایات به راویان از هر جریان، وثاقت یا عدم وثاقت واسطه ها، با بهره گیری از آرای رجال شناسان بررسی می شود.

پیشینه پژوهش

بررسی های انجام شده نشان می دهد که تا به حال پژوهش مستقلی به طور خاص در موضوع جریان شناسی راویان احادیث معرفة الله بالا امام انجام نگرفته است. اما برخی از پایان نامه ها مانند «چگونگی وساطت امام معصوم در معرفت الله»، نوشته اعظم ملتزمی، «تحلیل و بررسی دلالت حدیث اعرافوا الله بالله»، نوشته ندیم رضا، «معنای وسیله بودن اهل بیت در شناخت و پرستش خدا متعال با توجه به روایات بنا عبد الله و بنا عرف الله»، نوشته حوری اسدی، «معرفت و عبادت خدا با محوریت باب معرفة الامام و الردّ الیه کتاب الحجة کافی»، نوشته سلیمان عباس آبادعربی، و مقالاتی همچون «تحلیل رابطه معرفت امام به نورانیت با معرفت خداوند»، نوشته امیر توحیدی، به معناشناسی و تحلیل محتوای این گونه روایات پرداخته اند. بنابراین مطالعه سلسله سند این احادیث با رویکرد جریان شناسی راویان آنها، موضوعی است که تا به حال به صورت مستقل بدان پرداخته نشده است و این نوشتار برای اولین بار قصد بررسی آن را دارد.

۱- دسته بندی روایات معرفة الله بالا امام

احادیث مرتبط با موضوع وساطت اهل بیت علیهم السلام در خداشناسی را می توان به چهار دسته تقسیم کرد:

دسته اول روایاتی است که به صراحت از وساطت ائمه در حصول معرفة الله و همچنین عدم امکان شناخت خدا بدون واسطه امام معصوم، سخن گفته اند. از این دسته با عنوان «احادیث نص بر وساطت امام معصوم در معرفة الله» یاد می کنیم. روایاتی

مثل «بِنَا عُرِفَ اللَّهُ»^{۱۳}، «وَلَوْلَا هُمْ مَا عُرِفَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ»^{۱۴}، «لَا يُعْرِفُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا بِسَبِيلِ مَعْرِفَتِنَا»^{۱۵} در این دسته جای می‌گیرند. در غالب این دسته از احادیث، اهل بیت علیهم السلام با عناوینی همچون «باب‌الله» و «وجه‌الله» معرفی گشته و این مقامات عالی به عنوان تعلیلی بر انحصار راه خداشناسی از طریق امام بیان شده است:

«إِنَّ اللَّهَ لَوْ شَاءَ لَعَرَفَ الْعِبَادَ نَفْسَهُ وَلَكِنْ جَعَلْنَا أَبْوَابَهُ وَصِرَاطَهُ وَ سَبِيلَهُ وَالْوَجْهَ الَّذِي يُؤْتَى مِنْهُ»^{۱۶}، «نحن... وَجْهَهُ الَّذِي يُؤْتَى مِنْهُ... وَبَابُهُ الَّذِي يَدُلُّ عَلَيْهِ»^{۱۷}.

دسته دوم احادیثی است که از تقارن شناخت خدا و شناخت امام، سخن گفته‌اند. به صورتی که حصول معرفت خدا را، در دستیابی به معرفت امام بیان نموده‌اند. مضامین این دسته بیان‌گر این مطلبند که شناخت امام، شناخت خدا بوده و انکار امام نیز انکار خدا خواهد بود. این دسته را «احادیث تقارن معرفه‌الله و معرفه‌الامام» می‌نامیم. روایاتی مانند «مَنْ عَرَفَنَا فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ وَمَنْ أَنْكَرَنَا فَقَدْ أَنْكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ»^{۱۸}، «مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ وَمَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللَّهَ»^{۱۹} در این دسته قرار می‌گیرند.

دسته سوم روایاتی است که اهل بیت علیهم السلام را به عنوان باب‌الله و وجه‌الله معرفی نموده‌اند. احادیثی که در آن‌ها این عناوین برای امام به اثبات رسیده ولی به صراحت سخنی از معرفه‌الله به میان نیامده، به این دسته ملحق شده و آن‌ها را با عنوان «احادیث باب‌الله و وجه‌الله» ناگذاری می‌کنیم. روایاتی همچون:

«فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ قَالَ نَحْنُ الْوَجْهَ الَّذِي يُؤْتَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهُ»^{۲۰} و «أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ وَأَنَا بَابُ اللَّهِ»^{۲۱} در این دسته قرار داده می‌شوند. علت مرتبط دانستن این طیف با معرفه‌الله این است که عناوین «باب‌الله و وجه‌الله» در برخی احادیث دیگر به عنوان تعلیلی بر وساطت امامان در معرفه‌الله بیان شده است.^{۲۲} چنان‌که حدیث امام رضا علیه السلام،

۱۳- صفار، بصائر الدرجات، ۶۴/۱.

۱۴ - کلینی، کافی، ۱۹۳/۱.

۱۵ - کلینی، کافی، ۱۸۴/۱.

۱۶ - کلینی، کافی، ۱۸۴/۱.

۱۷ - ابن بابویه، التوحید، ۱۵۲.

۱۸ - ابن بابویه، أمالی صدوق، ۶۵۷.

۱۹ - کلینی، کافی، ۵۷۹/۴.

۲۰ - ابن بابویه، کمال‌الدین، ۲۳۱/۱.

۲۱ - ابن بابویه، أمالی صدوق، ۳۵.

۲۲ - کلینی، کافی، ۱، ۱۸۴.

در توضیح معنای وجه‌الله بودن اهل بیت علیهم السلام، ایشان را حقایقی معرفی می‌نمایند که به مدد آن‌ها می‌توان به خدا، دین و معرفة‌الله توجه نمود.^{۲۳}

دسته چهارم از روایات معرفة‌الله بالامام، امامان معصوم را به عنوان «ارکان توحید» و «دعائم دین» معرفی کرده‌اند. نیک روشن است که دینداری بدون توحید غیر ممکن است و توحید ناظر به مقام اثبات و باور است. باور توحیدی نیز مشروط به معرفت صحیحی از خدای متعال است. بنابراین توصیف امام به عنوان رکن توحید و ستون دین، بیان‌گر رابطه نزدیک معرفت امام با معرفة‌الله است. متون دعایی چون «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ خُزَّانِ عِلْمِكَ وَ أَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ وَ دَعَائِمِ دِينِكَ»^{۲۴} در این دسته جای گرفته و از آن‌ها با عنوان «رکنیت امام در توحید» یاد می‌کنیم. روایات دیگری نیز به این دسته پیوند می‌خورند که گرچه در متن آن‌ها تصریح به رکنیت امام در توحید مشاهده نمی‌شود اما مضمون آن‌ها دالّ بر این است که معرفت امام یا تولّی به امامان و تبرّی از دشمنان آن‌ها به عنوان جزء جدایی ناپذیر معرفة‌الله است. مانند:

«قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ قَالَ تَصَدِّقُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ تَصَدِّقُ رَسُولَهُ ص وَ مُوَالَاةُ عَلِيٍّ ع وَ الْإِثْمَامُ بِهِ وَ بِأَيْمَةِ الْهُدَى ع وَ الْبَرَاءَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ عَدُوِّهِمْ»^{۲۵}

۲- نقش راویان متهم به غلو در نقل روایات معرفة‌الله بالامام

۱-۲- جابر بن یزید جعفی

نجاشی جابر را مختلط معرفی کرده است.^{۲۶} به عقیده برخی پژوهش‌گران، دلالت لفظ مختلط و مخلط بر فساد عقیده قابل انکار نیست.^{۲۷} روشن است که فساد عقیده‌ی جابر بن یزید از نظر نجاشی، به معنای عدم تشیع او نیست. بلکه مراد عقاید و باورهای غالیانه است. این راوی ناقل چهار روایت با مضمون شناخت خدا به واسطه‌ی امام است. وی دو روایت از «احادیث

۲۳ - ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ۱/۱۱۵.

۲۴ - مفید، المقنعة، ۲۰۶.

۲۵ - کلینی، کافی، ۱/۱۸۰.

۲۶ - نجاشی، رجال، ۱۲۸.

۲۷ - کنی، توضیح المقال، ۲۱۲.

باب‌الله و وجه‌الله» را نقل کرده است.^{۲۸} او در طریق یکی از روایات دسته «رکنیت امام در توحید» نیز قرار دارد.^{۲۹} روایت دیگر او از دسته احادیث نص بر وساطت است.^{۳۰}

۲-۲- مفصل بن عمر جعفی

نجاشی مفصل را فاسد‌المذهب معرفی کرده و احتمال خطایی بودن او را مطرح می‌کند.^{۳۱} نام او در طریق دو روایت از «احادیث باب‌الله و وجه‌الله» مشاهده می‌شود.^{۳۲} این راوی یک روایت از «احادیث رکنیت امام در توحید» را به واسطه ابوحمزه ثمالی از امام سجاد علیه السلام نقل کرده است.^{۳۳} در این حدیث امام زین العابدین علیه السلام علاوه بر معرفی اهل بیت علیهم السلام به عنوان ابواب‌الله، خود را ارکان توحید نیز معرفی می‌نمایند. روایت دیگر از این راوی در دسته احادیث «تقارن معرفة‌الله و معرفة‌الامام» قرار می‌گیرد. در ضمن مکاتبه‌ای بین مفصل و امام صادق علیه السلام، آن حضرت به تفصیل ضمن تبیین بدفهمی برخی غالیان از معارف دینی، امام معصوم را به عنوان اصل و اساس دین معرفی نموده و معرفت او را، معرفت خداوند متعال و جهل نسبت به امام را، عدم معرفت به خداوند، بیان فرموده‌اند.^{۳۴}

۲-۳- محمد بن سنان

ابن‌غضائری این راوی را ضعیف و غالی معرفی می‌کند.^{۳۵} با توجه به کثرت نقل محمد بن سنان از مفصل بن عمر، می‌توان او را از شاگردان مفصل به شمار آورد.^{۳۶} نام او در چهار طریق از روایات معرفة‌الله بالامام مشاهده می‌شود. او یکی از «احادیث تقارن معرفة‌الله و معرفة‌الامام»^{۳۷} و سه حدیث از روایات «باب‌الله و وجه‌الله» را گزارش کرده است.^{۳۸} سه روایت از این احادیث با واسطه مفصل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل شده است.

۲۸ - کلینی، کافی، ۲۵/۸ و ابن‌شاذان، الفضائل، ۸۳.

۲۹ - کلینی، کافی، ۱۸۱/۱.

۳۰ - مجلسی، بحارالانوار، ۵/۲۵.

۳۱ - نجاشی، رجال، ۴۱۶.

۳۲ - کلینی، کافی، ۱۹۶/۱ و فرات، التفسیر، ۵۲۹.

۳۳ - ابن بابویه، معانی الاخبار، ۳۵.

۳۴ - صفار، بصائرالدرجات، ۵۲۹/۱.

۳۵ - ابن‌غضائری، رجال، ۹۲.

۳۶ - گرامی، نخستین مناسبات فکری تشیع، ۹۵.

۳۷ - صفار، بصائرالدرجات، ۵۲۹/۱.

۳۸ - کلینی، کافی، ۱۹۶/۱ و ابن بابویه، معانی الاخبار، ۳۵.

۴-۲-عبدالرحمن بن کثیر هاشمی

این روای توسط نجاشی تضعیف شده است و کتابی با عنوان «أظلة» را به او منسوب می‌کند که از نظر نجاشی مطالب فاسد و مختلط در آن بوده است.^{۳۹} برخی پژوهش‌گران معاصر، این راوی و برادرزاده‌اش علی بن حسان بن کثیر را از راویان منتسب به طیف مفضل بن عمر معرفی می‌کند.^{۴۰} یک روایت از احادیث نص بر وساطت اهل بیت علیهم السلام در معرفة الله، توسط این راوی نقل شده است.^{۴۱}

۵-۲-علی بن حسان بن کثیر هاشمی

نام وی در طرق کتب عمویش عبدالرحمن بن کثیر مشاهده می‌شود.^{۴۲} نجاشی به شدت او را تضعیف کرده و فاسد الاعتقاد خوانده است. همچنین متذکر می‌شود که برخی او را در زمره غلاة معرفی کرده‌اند.^{۴۳} این روای ناقل سه روایت در موضوع معرفت امام است. یک روایت به واسطه‌ی عمویش عبدالرحمن بن کثیر از امام صادق علیه السلام نص بر وساطت امام در معرفة الله است.^{۴۴} مورد بعدی زیارت‌نامه‌ای است که بدون واسطه از امام رضا علیه السلام نقل کرده است.^{۴۵} در این زیارت، خطاب به امام گفته می‌شود که هر کس به شما معرفت پیدا کند، به خدا معرفت پیدا کرده است و هر کس نسبت به شما در جهل و نادانی به سر برد، به خدا جاهل خواهد بود. بنابراین این حدیث در دسته تقارن معرفة الله و معرفة الامام جای می‌گیرد. روایت دیگر علی بن حسان از دسته احادیث باب الله و وجه الله است و دارای این مضمون است که رسول الله و امیرالمؤمنین و تک تک ائمه علیهم السلام «ابواب الله» هستند که تنها به واسطه ایشان می‌توان به خدا رسید.^{۴۶}

۶-۲-یونس بن ظبیان

وی که توسط ابن غضائری به شدت تضعیف و غالی معرفی شده است^{۴۷}، از راویان مضامین معارف بلند درباره‌ی مقامات اهل بیت علیهم السلام است. در گزارشی، طرفداری او از مفضل بن عمر مشهود است. طی این گزارش از امام صادق علیه السلام

۳۹- نجاشی، رجال، ۲۳۵.

۴۰- گرامی، نخستین مناسبات فکری تشیع، ۹۵.

۴۱- صفار، بصائر الدرجات، ۶۱/۱.

۴۲- نجاشی، رجال، ۲۳۵.

۴۳- نجاشی، رجال، ۲۵۲.

۴۴- صفار، بصائر الدرجات، ۶۱/۱.

۴۵- کلینی، کافی، ۵۷۹/۴.

۴۶- کلینی، کافی، ۱۹۷/۱.

۴۷- ابن غضائری، رجال، ۱۰۱.

درخواست کرده است تا بدگویان نسبت به مفضل را از این کار نهی نمایند.^{۴۸} این راوی زیارت‌نامه‌ای طولانی در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده است.^{۴۹} همین زیارت‌نامه در کتب دیگری از جمله کتاب مزار شیخ مفید بدون ذکر سلسله سند نقل شده است.^{۵۰} این راوی یکی از «احادیث باب‌الله و وجه‌الله» را نقل کرده است. در این زیارت‌نامه، امیرالمؤمنین علیه السلام با عناوین باب‌الله، وجه‌الله و سبیل‌الله، خطاب می‌شوند.

۷-۲- سهل بن زیاد آدمی

به گزارش نجاشی، احمد بن محمد بن عیسی این راوی را به دلیل غالی بودن از شهر قم اخراج می‌کند.^{۵۱} نام این راوی در سلسله سند یکی از «احادیث باب‌الله و وجه‌الله» قرار دارد.^{۵۲}

بدین ترتیب، راویان جریان معارف امامت و متهم به غلو در مجموع چهارده روایت با موضوع معرفه‌الامام و رابطه آن با شناخت خدا، نقل کرده‌اند.

۳- نقش روایان وابسته به جریان محدثان فقیه در نقل روایات معرفه‌الله بالامام

۳-۱- ابوبصیر

به گفته محققان، کنیه ابوبصیر از صراف به یحیی بن قاسم اسدی دارد که از فقها و اصحاب اجماع است.^{۵۳} در مجموع سه روایت از این راوی با موضوع شناخت امام و ارتباطش با معرفه‌الله نقل شده است. یک روایت از احادیث نص بر وساطت معرفت امام در معرفت خداست که در آن اهل بیت علیهم السلام به عنوان ابواب‌الله نیز معرفی شده‌اند.^{۵۴} روایت دیگر با سندی صحیح از احادیث وجه‌الله است که ابوبصیر با واسطه‌ی حرث بن مغیره از امام صادق علیه السلام تفسیر آیه ۸۸ سوره قصص را گزارش کرده است. امام در تفسیر این آیه، وجه‌الله را امامان معصوم معرفی می‌نمایند.^{۵۵} روایت دیگر با سلسله سندی

۴۸- کشی، رجال، ۶۲۱/۲.

۴۹- طوسی، تهذیب‌الاحکام، ۲۷/۶.

۵۰- مفید، المزار، ۶۱.

۵۱- نجاشی، رجال، ۱۸۵.

۵۲- کلینی، کافی، ۱۹۷/۱ و طوسی، أمالی، ۲۰۶.

۵۳- خویی، معجم رجال‌الحديث، ۸۱/۲۱.

۵۴- کلینی، کافی، ۱۹۳/۱.

۵۵- صفار، بصائر‌الدرجات، ۶۵/۱.

صحیح، از دسته احادیث تقارن معرفة الله و معرفة الامام است. در این روایت امیرالمؤمنین علیه السلام معرفت به ساحت خود و شناخت حق خویش را موجب حصول معرفة الله بیان فرموده‌اند.^{۵۶}

۲-۳- ابوحمزه ثمالی

چهار حدیث از ابوحمزه ثمالی (ثابت بن دینار) در موضوع جایگاه معرفت امام در خداشناسی گزارش شده است. دو روایت از این روایات چهارگانه، در دسته احادیث باب الله و وجه الله قرار می‌گیرند. در یکی از این دو حدیث، اهل بیت علیهم السلام به عنوان ارکان توحید نیز معرفی شده‌اند.^{۵۷} مفضل بن عمر و محمد بن سنان، از روایان جریان معارف امامت و متهم به غلو، ناقل این مضمون از ابوحمزه هستند و به دلیل انتساب ایشان به غلو، نمی‌توان این روایت را قاطعانه منتسب به ابوحمزه دانست. در حدیث دیگر، ابوحمزه از امام باقر علیه السلام تفسیر آیه «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ» (قصص: ۸۸) را جویا می‌شود. حضرت در تفسیر این آیه خود را به عنوان وجه الله معرفی می‌کنند.^{۵۸} این روایت توسط شیخ صدوق با سلسله سند دیگری نقل شده است.^{۵۹} همین مضمون با سندی متصل و صحیح توسط صفار نیز نقل شده است.^{۶۰} بنابراین این حدیث قابل انتساب به ابوحمزه خواهد بود.

از این راوی حدیث دیگری به صورت مرسل گزارش شده است که در دسته احادیث نص بر وساطت قرار می‌گیرد.^{۶۱} در حدیث چهارم، ابوحمزه از امام باقر علیه السلام از چستی معرفة الله می‌پرسد و حضرت در پاسخ، تصدیق خدا و رسول و تولی نسبت به ائمه و پذیرش امامت اهل بیت علیهم السلام و تبری از دشمنان ایشان را به عنوان راه خداشناسی نشان می‌دهد.^{۶۲} روایت اخیر در دسته احادیث رکنیت امام در توحید قرار می‌گیرد. در میان واسطه‌های کلینی تا ابوحمزه، دو راوی به نام‌های معلی بن محمد و محمد بن فضیل توثیق خاص ندارند. اما آقای خویی پس از بررسی ادله به وثاقت معلی بن محمد بصری

۵۶- ابن بابویه، التوحید، ۱۶۴.

۵۷- ابن بابویه، معانی الاخبار، ۳۵.

۵۸- صفار، بصائر الدرجات، ۶۵/۱.

۵۹- ابن بابویه، کمال الدین، ۲۳۱/۱.

۶۰- صفار، بصائر الدرجات، ۶۶/۱.

۶۱- عیاشی، التفسیر، ۱۹/۲.

۶۲- کلینی، کافی، ۱۸۰/۱ و عیاشی، التفسیر، ۱۱۶/۲.

حکم کرده است.^{۶۳} محمد بن فضیل نیز از جمله اسامی مشترکی است به عقیده آقای شبیری زنجانی، این عنوان در اسناد روایی مربوط به شخص ثقة است.^{۶۴} بنابراین می توان صحت انتساب روایت اخیر به ابو حمزه ثمالی را پذیرفت.

۳-۳-علی بن جعفر

علی بن جعفر بن محمد از فرزندان امام صادق علیه السلام بوده و کتاب مسائل معروف است. وی توثیق شیخ طوسی را به همراه دارد.^{۶۵} کتاب یاد شده، مجموعه پرسش و پاسخ هایی است که این راوی از برادر خود امام کاظم علیه السلام گزارش کرده است. عبارت «لَوْلَا مَا عُرِفَ اللَّهُ» به عنوان یکی از احادیث نص بر وساطت اهل بیت علیهم السلام در معرفه الله، توسط علی بن جعفر از امام کاظم علیه السلام گزارش شده است.^{۶۶} در این حدیث امام کاظم علیه السلام از عدم شناخت خداوند متعال در صورت نبودن اهل بیت سخن گفته اند. موسی بن قاسم این حدیث را از علی بن جعفر روایت کرده است. موسی بن قاسم توسط نجاشی تجلیل و توثیق شده است.^{۶۷} احمد بن محمد این حدیث را با واسطه ی حسین بن راشد از موسی بن قاسم روایت کرده است. حسین بن راشد در کتب رجالی به عنوان مولی بنی عباس توصیف شده است.^{۶۸} اما حسن بن راشد مولی آل مهلب بغدادی از سوی شیخ طوسی توثیق شده است.^{۶۹} به گفته ابن داود گاهی حسین بن راشد به حسن بن راشد اشتباه می شود. حسین بن راشد در طبقه یاران امام صادق علیه السلام است ولی حسن بن راشد از اصحاب امام جواد علیه السلام بوده و توثیق خاص دارد.^{۷۰} با توجه به نقل احمد بن محمد از ابن راشد و نقل با واسطه او از علی بن جعفر، قطعاً این راوی همان حسن بن راشدی است که از یاران امام جواد علیه السلام بوده است. بر همین اساس می توان گفت در سند این حدیث تصحیفی رخ داده است. بنابراین با توجه به توثیق حسن بن راشد و موسی بن قاسم، انتساب این حدیث به علی بن جعفر بی اشکال خواهد بود.

۶۳- خویی، معجم رجال الحديث، ۲۷۹/۱۹.

۶۴- شبیری زنجانی، «بررسی اختصار در عنوان محمد بن فضیل»، ۲۴.

۶۵- طوسی، الفهرست، ۳۶۴.

۶۶- علی بن جعفر، المسائل، ۳۲۰ و صفار، بصائر الدرجات، ۱۰۵/۱.

۶۷- نجاشی، رجال، ۴۰۵.

۶۸- طوسی رجال، ۳۳۴.

۶۹- طوسی رجال، ۳۷۵.

۷۰- حلی، رجال، ۴۴۰.

۴-۳- محمد بن حسین بن ابی الخطاب

ابوجعفر الزیات همدانی از راویان جلیل‌القدر و کثیرالروایه‌ای است که وثاقتش ثابت است. این روای کتب متعددی داشته و همین طور نام او در طریق به کتب اصحاب، فراوان به چشم می‌خورد.^{۷۱} یک روایت از احادیث دسته باب الله و وجه‌الله توسط این روای گزارش شده است. این روایت، با سندی صحیح از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ» (قصص: ۸۸) گزارش شده است. در این حدیث امامان به عنوان وجه‌الله معرفی شده‌اند که ورود به آستانه ارادت و معرفت الهی تنها از طریق آن‌ها ممکن است.^{۷۲}

روایت دیگر از این راوی گزارش شده است که در دسته احادیث نص بر وساطت قرار می‌گیرند. در این حدیث، محمد بن حسین با واسطه از سعد اسکاف، تفسیر آیه ۴۶ سوره اعراف را از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند. در این حدیث اعراف به امامان معصوم تفسیر شده است و معرفت آن‌ها به عنوان راه انحصاری خداشناسی بیان شده است.^{۷۳} به دلیل نقل این روایت توسط صفار از این راوی، می‌توان این حدیث را به ابن ابی الخطاب منسوب کرد.

۵-۳- حسن بن علی بن فضال

این راوی از ساکنان کوفه بوده است و مردم کوفه او را از عابدان مشهور شهر می‌شناختند.^{۷۴} وی کتب متعددی داشته و از جمله آن‌ها کتاب «الردّ علی الغالیة» حاصل تألیف اوست.^{۷۵} دو روایت از نام‌برده، در موضوع معرفت امام گزارش شده است. یکی از این دو، در ردیف احادیث نص بر وساطت اهل بیت علیهم السلام در معرفة‌الله قرار می‌گیرد. او این حدیث را مرفوعاً از اصبع بن نباته از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده است. در این حدیث اهل بیت علیهم السلام به عنوان راه انحصاری شناخت خدا معرفی شده‌اند.^{۷۶} حدیث دیگر از طیف احادیث تقارن معرفة‌الله و معرفة‌الامام به شمار می‌رود. در این روایت ابن فضال با چند واسطه از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند که امام حسین علیه السلام در پاسخ به پرسش از چیستی

۷۱- نجاشی، رجال، ۳۳۴.

۷۲- ابن بابویه، کمال‌الدین، ۲۳۱/۱.

۷۳- ابن بابویه، کمال‌الدین، ۴۹۹/۱.

۷۴- نجاشی، رجال، ۳۴.

۷۵- نجاشی، رجال، ۳۶.

۷۶- صفار، بصائر الدرجات، ۴۹۷/۱.

معرفة الله، شناخت امام معصوم در هر زمان را به عنوان معرفت خدای متعال بیان کرده‌اند.^{۷۷} همین روایت در کتاب علل الشرائع نیز نقل شده است.^{۷۸}

۶-۳- عبدالله بن جعفر حمیری

ابوالعباس قمی از بزرگان و وجهان قم بوده و صاحب کتب متعددی است که قرب الاسناد او امروزه نیز در دسترس است.^{۷۹} دو روایت از احادیث نص بر وساطت، یکی از آن‌ها با واسطه حسین بن سعید^{۸۰} و دیگری با واسطه احمد بن محمد بن عیسی^{۸۱} از این راوی گزارش شده است. این روای یکی از احادیث تقارن معرفة الله و معرفة الامام با واسطه حسن بن علی بن فضال نقل کرده است.^{۸۲} نام این راوی در سند دو روایت از دسته احادیث باب الله مشاهده می‌شود. یکی از این دو در قالب زیارت‌نامه‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام از زبان امام صادق علیه السلام نقل شده است.^{۸۳} در متن این زیارت‌نامه، امام با عنوان باب الله و الدلیل علی الله مخاطب قرار می‌گیرد. در روایت دوم، امیرالمؤمنین علیه السلام خود را خلیفه الله، باب الله و صراط الله معرفی فرموده‌اند.^{۸۴}

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، فرزند عبدالله بن جعفر نیز راوی یکی از احادیث باب الله است. محمد بن عبدالله مانند پدر خویش از سوی رجال‌شناسان تجلیل شده و از بزرگان و ثقات معرفی شده است.^{۸۵} در ترجمه او به مکاتبه و نامه‌نگاری وی با امام زمان علیه السلام تصریح شده است.^{۸۶} در یکی از این مکاتبات، امام زمان علیه السلام زیارت‌نامه‌ای را آموزش می‌دهند که امروزه به عنوان زیارت «آل یس» مشهور است. در ابتدای این روایت آمده است، هر گاه خواستید به ما توجه نموده و از طریق ما به خدا متوجه شوید، این زیارت‌نامه را بخوانید. در یکی از فرازهای این زیارت‌نامه، امام زمان علیه السلام «باب الله» خطاب می‌شوند.^{۸۷}

۷۷- کراجکی، کنزالفوائد، ۱/۲۳۸.

۷۸- ابن بابویه، علل الشرائع، ۹/۱.

۷۹- نجاشی، رجال، ۲۱۹.

۸۰- صفار، بصائر الدرجات، ۱/۶۴.

۸۱- ابن بابویه، التوحید، ۱۵۲.

۸۲- کراجکی، کنزالفوائد، ۱/۳۲۸.

۸۳- ابن قولویه، کامل الزیارات، ۲۱۳.

۸۴- ابن بابویه، امالی، ۳۵.

۸۵- نجاشی، رجال، ۳۵۴.

۸۶- نجاشی، رجال، ۳۵۵.

۸۷- طبرسی، احتجاج، ۲/۴۹۳.

۷-۳-احمد بن محمد بن عیسی اشعری

او از بزرگان خاندان اشعری و از با نفوذ ترین عالمان قمی در زمان خود بود. سه حدیث از روایات نص بر و ساطت توسط او گزارش شده است. یک روایت از این سه حدیث، در تفسیر اعراف نقل شده است. در این حدیث اهل بیت علیهم السلام به عنوان اعراف معرفی شده اند که راه شناخت خدا تنها به وسیله شناخت ایشان است. در انتهای روایت نیز امام صادق علیه السلام متذکر می شوند که اراده خدا بر این تعلق گرفت که ما امامان را ابواب و سبیل خودش قرار دهد تا همگان از طریق ما به درگاه خدا روی بیاورند.^{۸۸} حدیث دیگر نیز در برداندهی عبارت «لَا يُعْرِفُ اللَّهُ إِلَّا بِسَبِيلٍ مَعْرِفَتَكُمْ» است که توسط احمد بن محمد بن عیسی به صورت مرفوع از رسول الله صلی الله علیه وآله نقل شده است.^{۸۹} شیخ صدوق همین حدیث را به واسطه ابن الولید از سعد بن عبدالله از احمد بن محمد گزارش کرده است.^{۹۰} در سومین روایت از این دسته، امامان با عناوینی همچون وجه الله و عین الله و باب الله معرفی شده اند و عبارت «بِنَا عَرَفَ اللَّهُ» در انتهای حدیث نیز وارد شده است.^{۹۱}

این راوی تعداد هشت روایت از احادیث باب الله و وجه الله را گزارش کرده است. از این تعداد، چهار روایت به واسطه حسین بن سعید اهوازی نقل شده است.^{۹۲} حدیث پنجم با واسطه ابن ابی نصر بزنطی نقل شده است که امام باقر علیه السلام بدون اینکه پرسشی از ایشان صورت گیرد، بی مقدمه، خویش را باب الله و عین الله و وجه الله و لسان الله معرفی کرده اند.^{۹۳} دو روایت از این تعداد، در باب «بَابُ أَنَّ الْأَيْمَةَ هُمْ أَزْكَانُ الْأَرْضِ» کتاب کافی منقول است. در یکی از این دو حدیث، امام صادق علیه السلام تمامی فضایل رسول الله صلی الله علیه وآله را در امیرالمؤمنین علیه السلام جاری دانسته و از لزوم تسلیم در برابر ایشان سخن به میان می آورند. سپس تک تک امامان را، باب الله و سبیل الله معرفی می نمایند که رهیافت به درگاه الهی تنها از طریق ایشان میسر است، به طوری که هر کس از راه دیگری رو به خدا آورد، به وادی هلاکت خواهد افتاد.^{۹۴} حدیث دیگر از این باب نیز با مضمونی مشابه روایت قبل، از ابو صامت حلوانی از امام باقر علیه السلام نقل شده است.^{۹۵} روایت هشتم با سندی صحیح در تفسیر آیه «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ قَالَ دِينَهُ» (قصص: ۸۸) توسط شیخ صدوق از پدرش از

۸۸- صفار، بصائر الدرجات، ۱/۴۹۷.

۸۹- صفار، بصائر الدرجات، ۱/۴۹۸.

۹۰- ابن بابویه، الخصال، ۱/۱۵۰.

۹۱- ابن بابویه، التوحید، ۱۵۲.

۹۲- صفار، بصائر الدرجات، ۱/۶۵-۶۶.

۹۳- صفار، بصائر الدرجات، ۱/۶۱.

۹۴- کلینی، کافی، ۱/۱۹۶.

۹۵- کلینی، کافی، ۱/۱۹۷.

سعد بن عبدالله از اشعری گزارش شده است. در این حدیث امام صادق علیه السلام اهل بیت علیهم السلام را دین الله و وجه الله معرفی می‌فرمایند.^{۹۶}

یک حدیث از روایات رکنیت امام در توحید در باب «معرفة الامام والردّ علیه» کتاب کافی توسط احمد بن محمد بن عیسی نقل شده است.^{۹۷} سند این روایت به جابر بن یزید می‌رسد و او از امام باقر علیه السلام چنین گزارش می‌کند که فقط امام شناسان، به خدا معرفت داشته و او را عبادت می‌کنند.

بنابراین دوازده روایت از احادیث معرفة الله بالامام، توسط احمد بن محمد بن عیسی اشعری گزارش شده است و صحت انتساب همه‌ی آنها به او ثابت است. زیرا صاحبان کتب حدیثی، یا بی واسطه و یا با واسطه‌ی بزرگانی همچون سعد بن عبدالله و محمد بن یحیی، این احادیث را از او روایت کرده‌اند.

۸-۳- محمد بن علی ماجیلویه

افراد متعددی در کتب رجالی و حدیثی ملقب به ماجیلویه شده‌اند که می‌توان گفت همگی با یکدیگر نسبت سببی داشته و از یک خاندان اهل علم محسوب می‌شوند. اولین فرد ملقب به ماجیلویه، محمد بن ابی القاسم نام دارد که داماد احمد بن ابی عبدالله برقی است و از سوی نجاشی بسیار تجلیل و توثیق شده است.^{۹۸} فرزند او علی بن محمد بن بندار نیز، از روایان ثقه و از مشایخ کلینی بوده است.^{۹۹} این راوی یک روایت از احادیث تقارن معرفة الله و معرفة الامام را از پدر بزرگ خود نقل کرده است.^{۱۰۰} محمد بن علی ماجیلویه فرد دیگری از این خاندان است که از مشایخ صدوق به شمار می‌رود و طبق بررسی‌های انجام شده، برادر زاده‌ی محمد بن ابی القاسم است.^{۱۰۱} محمد بن علی ماجیلویه، روایتی از احادیث باب الله را از عموی خود نقل کرده است.^{۱۰۲} در این حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله حضرت مولا علی علیه السلام را خطاب کرده و ایشان را خلیفة الله و باب الله معرفی می‌فرمایند.

۹۶- ابن بابویه، التوحید، ۱۵۱.

۹۷- کلینی، کافی، ۱/۱۸۱.

۹۸- نجاشی، رجال، ۲۵۳.

۹۹- خویی، معجم رجال الحديث، ۱۲/۲۶۴.

۱۰۰- ابن بابویه، امالی، ۶۵۷.

۱۰۱- خویی، معجم رجال الحديث، ۱۲/۲۶۴.

۱۰۲- ابن بابویه، امالی، ۲۰۳.

در مجموع می‌توان گفت ۲۵ روایت از احادیث معرفة الله بالا امام قابل انتساب به طیف فقیهان، محدث است.

۴- نقش راویان منسوب به جریان هشام بن حکم

۴-۱- یونس بن عبدالرحمن

نام برده از اصحاب امام کاظم و امام رضا علیهما السلام و از شاگردان هشام بن حکم بوده^{۱۰۳} و نجاشی از او تجلیل کرده، او را عظیم المنزلة توصیف نموده و کتب متعددی از جمله کتاب «الردّ علی الغلاة» را در ضمن تألیفات او ذکر می‌کند.^{۱۰۴} شیخ طوسی نیز او را توثیق کرده اما یادآور می‌شود که قمیان او را تضعیف کرده‌اند.^{۱۰۵} دامنه‌ی این تضعیف بدان جا کشیده شده است که سعد بن عبدالله اشعری از بزرگان جریان محدثان قم، کتاب مثالب هشام و یونس تألیف کرده است.^{۱۰۶} نیک روشن است که این تألیف به دلیل اختلافات بین دو جریان مذکور به رشته تحریر در آمده است.

راوی یاد شده تنها یکی از احادیث رکنیت امام در توحید را در قالب دعایی برای امام زمان علیه السلام نقل کرده است. به گفته یونس، امام رضا علیه السلام به طور مداوم امر می‌کردند که این دعا برای صاحب الأمر خوانده شود. در ضمن این دعا، اهل بیت علیهم السلام با عنوان ارکان توحید و دعائم دین معرفی می‌شوند.^{۱۰۷} سید بن طاووس همین دعا را از جدّ خود، یعنی شیخ طوسی با سند متصل نقل کرده است.^{۱۰۸} در سلسله سند این دعا، دو تن از راویان به نام‌های اسماعیل بن مرّار و صالح بن سندی مشاهده می‌شود که در اصول رجالی متقدم مدح یا ذمی درباره‌ی آن‌ها وارد نشده است اما با توجه به قرائن دیگر، صاحب تنقیح المقال مجموع شواهد را دالّ بر وثاقت اسماعیل می‌داند.^{۱۰۹} رجالی یاد شده درباره‌ی ابن سندی نیز نظری مشابه ابن مرّار مطرح کرده است.^{۱۱۰} بنابراین انتساب این دعا به یونس بن عبدالرحمن قابل پذیرش است.

۱۰۳- کشی، رجال، ۵۴۰/۲.

۱۰۴- نجاشی، رجال، ۴۴۶.

۱۰۵- طوسی، رجال، ۳۴۶.

۱۰۶- نجاشی، رجال، ۱۷۸.

۱۰۷- طوسی، مصباح المتهجد، ۴۱۱/۱.

۱۰۸- ابن طاووس، جمال الأسبوع، ۵۰۷.

۱۰۹- مامقانی، تنقیح المقال، ۳۸۲/۱۰.

۱۱۰- مامقانی، تنقیح المقال رحلی، ۱۹۲/۲.

۲-۴- محمد بن عیسی بن عبید

آرای رجالیان در مورد محمد بن عیسی کمی دچار پراکندگی است. رجالیانی همچون نجاشی قائل به وثاقت و جلالت ابن عیسی هستند.^{۱۱۱} در مقابل برخی دیگر از علما مانند شیخ طوسی در مواضع مختلفی از آثارش همچون فهرست به تضعیف وی پرداخته است.^{۱۱۲} صاحب معجم الرجال به واکاوی این تعارض پرداخته است و منشأ تضعیف طوسی را نظر قیام و خصوصاً اجتهاد ابن الولید معرفی می نماید. به همین دلیل، این تضعیف را مبتنی بر اساس محکمی ندانسته و در نهایت به وثاقت این راوی حکم می کند.^{۱۱۳} به نظر می رسد نمی توان این راوی را به دلیل کلام شیخ طوسی از جریان متهمان به غلو به شمار آورد. بلکه به دلیل برخی شواهد و قرائن، می توان محمد بن عیسی را ادامه جریان هشام بن حکم دانست.

کشی در کلامی منقول از فضل به شاذان، خود را جانشین افرادی همچون هشام بن حکم و یونس بن عبدالرحمن معرفی می کند.^{۱۱۴} بنابراین فضل بن شاذان وابسته به جریان کلامی هشام بن حکم است که با مخالفان شیعه به بحث و جدل می پرداخت. این گفت و گو با مخالفان موجب می شد که فضل بن شاذان نسبت به روایات معارف امامت و راویان این دسته از احادیث همچون محمد بن سنان حساسیت به خرج دهد و بر آنان خدشه هایی وارد کند.^{۱۱۵} بنابراین بین او و بین و راویان ناقل مضامین بلند در معارف امامت رابطه ی خوبی نبوده و چه بسا از سوی او متهم به غلو می شده اند. با توجه به این مطلب، در گزارشی سخن از محبت و مدح و گرایش فضل بن شاذان به محمد بن عیسی بن عبید مشاهده می شود.^{۱۱۶} بنابراین می توان گفت گرایش فضل بن شاذان به محمد بن عیسی با انتساب او به جریان غالیان و متهمان به غلو در تناقض است و با توجه به سکونت این راوی در بغداد و ملقب شدنش به لقب یونسی به دلیل کثرت روایت او از یونس بن عبدالرحمن^{۱۱۷}، می توان محمد بن عیسی را از جریان هشام بن حکم به شمار آورد. لازم به ذکر است که جمیع کتب یونس بن عبدالرحمن توسط محمد بن عیسی به نجاشی رسیده است.^{۱۱۸}

این راوی ناقل سه روایت در موضوع معرفة الله بالامام است که دو مورد آن در جدول روایات تقارن معرفة الله و معرفة الامام جای می گیرد. یکی از این دو، به صورت مرفوع از امام صادق علیه السلام گزارش شده است. در این حدیث، اهل بیت باب ناطق علم معرفی شده اند که هر کس ایشان را بشناسد خدا را شناخته و هر کس به انکار آن ها مبادرت ورزد خدا را انکار کرده

۱۱۱- نجاشی، رجال، ۳۳۳.

۱۱۲- طوسی، الفهرست، ۴۰۲.

۱۱۳- خویی، معجم رجال الحديث، ۱۲۲/۱۸.

۱۱۴- کشی، رجال، ۸۱۸/۲.

۱۱۵- سند، بحوث فی مبانی علم الرجال، ۸۹/۲.

۱۱۶- کشی، رجال، ۸۱۷/۲.

۱۱۷- مامقانی، تنقیح المقال رحلی، ۱۶۷/۳.

۱۱۸- نجاشی، رجال، ۴۴۸.

است.^{۱۱۹} صفار این حدیث را توسط علی بن محمد قاسانی از ابن عیسی نقل کرده است. مامقانی بعد از بررسی ادله، به ضعیف بودن قاسانی حکم می‌کند.^{۱۲۰} بنابراین انتساب این حدیث به عبیدی با مشکل مواجه است.

حدیث دیگر در قالب زیارت‌نامه ائمه مدفون در بغداد، به صورت مرسل توسط محمد بن عیسی از امام رضا علیه السلام گزارش شده است. در این زیارت‌نامه، زائر بیان می‌دارد هر کس نسبت به شما اهل بیت معرفت پیدا کند، به خدا معرفت پیدا کرده است و هر کس نسبت به شما جاهل باشد، نسبت به خدا جاهل است.^{۱۲۱} ابن قولویه این زیارت را با واسطه محمد بن جعفر رزّاز از عبیدی نقل می‌کند. محمد بن جعفر دایی پدر ابو غالب زرّاری است و نام او بارها در طرق نجاشی به کتاب‌های حدیثی مشاهده می‌شود. اما نجاشی او را با عنوان خاص، معرفی نکرده است. البته به عقیده مامقانی کثرت وجود نام او در طرق نجاشی حاکی از اعتماد نجاشی به رزّاز و در نتیجه وثاقت این راویست.^{۱۲۲} بنابراین انتساب حدیث دوم به محمد بن عیسی قابل پذیرش است.

روایت دیگر در تفسیر آیه ۸۸ سوره قصص وارد شده و از دسته احادیث باب‌الله و وجه‌الله به شما می‌روند. امام ذیل این آیه وجه‌الله را به دین‌الله و ائمه علیهم السلام تفسیر فرموده‌اند.^{۱۲۳} این حدیث توسط شیخ صدوق از احمد بن محمد بن یحیی از سعد بن عبدالله از عبیدی نقل شده و از این رو صحت انتساب این خبر به محمد بن عیسی ثابت می‌شود.

۳-۴- علی بن ابراهیم قمی

می‌توان گفت جریان هشام بن حکم توسط محمد بن عیسی بن عبید و ابراهیم بن هاشم به قم منتقل شده و گسترش یافت.^{۱۲۴} علی بن ابراهیم فرزند ابراهیم بن هاشم ادامه دهنده و مدافع این جریان در قم بود. تا آنجا که نگاشته‌ای در دفاع از هشام، به نام «رسالة فی معنی هشام و یونس» تألیف می‌کند.^{۱۲۵} لازم به ذکر است که در برابر تلاش‌های علی بن ابراهیم در دفاع از هشام، خط فکری مخالف این جریان در قم، توسط سعد بن عبدالله اشعری دست به نگارش ردیه‌ای بر کتاب علی بن ابراهیم با

۱۱۹- صفار، بصائر الدرجات، ۶/۱.

۱۲۰- مامقانی، تنقیح المقال رحلی، ۳۰۸/۲.

۱۲۱- ابن قولویه، کامل الزیارات، ۳۰۲.

۱۲۲- مامقانی، تنقیح المقال رحلی، ۹۳/۲.

۱۲۳- ابن بابویه، کمال الدین، ۲۳۱/۱.

۱۲۴- رضایی، «امتداد جریان فکری هشام بن حکم تا شکل‌گیری مدرسه کلامی بغداد»، ۱۰۲.

۱۲۵- نجاشی، رجال، ۲۶۰.

عنوان « کتاب الرد علی بن ابراهیم بن هاشم فی معنی هشام و یونس » می‌زند.^{۱۲۶} این ردیه نویسی‌ها از تقابل این دو جریان با یکدیگر حکایت می‌کنند.

نام این راوی در سند شش حدیث از روایات معرفة الله بالا امام مشاهده می‌شود. از این میان سه روایت در دسته احادیث تقارن معرفة الله و معرفة الامام جای می‌گیرد. یکی از این سه توسط شیخ صدوق^{۱۲۷} و دیگری توسط صفار^{۱۲۸} و روایت سوم در کتاب مقتضب الاثر ابن عیاش جوهری نقل شده است.^{۱۲۹} نجاشی از جوهری به عنوان دوست خود یاد کرده و جدّ و پدرش را از بزرگان بغداد برمی‌شمارد. اما در ادامه گوشزد می‌کند که از او روایات زیادی استماع کرده اما به دلیل تضعیف جوهری توسط مشایخ دیگرش، احتیاط کرده و روایتی از او نقل نمی‌کند.^{۱۳۰} رجالیان متأخر همچون مامقانی، بعد از بررسی شواهد و قرائن به دلیل امامی بودن جوهری و ترحم نجاشی برای او، احادیث او را نه در قسم ضعاف، بلکه در ضمن روایات «حسن» جای می‌دهد.^{۱۳۱} صدوق و جوهری دو روایات یاد شده را توسط احمد بن زیاد بن جعفر همدانی از علی بن ابراهیم گزارش کرده‌اند. شیخ صدوق مکرر و بی واسطه از او حدیث نقل کرده است.^{۱۳۲} علامه حلی به وثاقت او تصریح کرده و وی را شخصی فاضل و متدین معرفی می‌کند.^{۱۳۳} بنابراین می‌توان سه روایت مذکور را به علی بن ابراهیم منتسب کرد.

حدیث چهارم از روایات وجه الله و باب الله است که ضمن آن، امام رضا علیه السلام معنای صحیح وجه الله و زیارت خدا در آخرت را به ابوصلت هروی آموزش می‌دهند.^{۱۳۴} انتساب این حدیث به علی بن ابراهیم به دلیل نقل آن توسط احمد بن زیاد همدانی، قابل پذیرش است.

دو روایت باقی‌مانده از جمله احادیث رکنیت امام در توحید به شمار می‌رود. یکی از این دو حدیث توسط شیخ صدوق از پدرش از علی بن ابراهیم گزارش شده و لذا انتساب آن به این راوی ثابت است. در این خبر امام سجاد علیه السلام امامان را ارکان توحید معرفی می‌نماید.^{۱۳۵} روایت دیگر دعایی برای صاحب الامر است که امام رضا علیه السلام به یونس بن

۱۲۶- نجاشی، رجال، ۱۷۷.

۱۲۷- ابن بابویه، کمال الدین، ۲۶۱/۱.

۱۲۸- صفار، بصائر الدرجات، ۵۲۶/۱.

۱۲۹- جوهری، مقتضب الاثر، ۴۸.

۱۳۰- نجاشی، رجال، ۸۵.

۱۳۱- مامقانی، تنقیح المقال رحلی، ۸۸/۱.

۱۳۲- مامقانی، تنقیح المقال، ۱۴۷/۶.

۱۳۳- حلی، رجال، ۱۹.

۱۳۴- ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ۱۱۵/۱.

۱۳۵- ابن بابویه، معانی الاخبار، ۳۵.

عبدالرحمن تعلیم فرمودند.^{۱۳۶} سید بن طاووس این دعا را با سند شیخ طوسی نقل کرده است و وسایط نقل تا علی بن ابراهیم افرادی همچون ابن ابی جید و حمیری هستند. ابن ابی جید از مشایخ شیخ طوسی و نجاشی بوده است و نامش در طریق بسیاری از کتب اصحاب به چشم می خورد. آقای خویی در جای جای کتاب خویش او را ثقة معرفی می کند.^{۱۳۷} بنابراین هر شش روایتی که در سند آن نام علی بن ابراهیم ذکر شده است، قابل انتساب به اوست.

در مجموع می توان گفت ده روایت از احادیث معرفة الله بالامام توسط جریان هشام بن حکم گزارش شده است ولی انتساب یکی از آن ها به این جریان با مشکل مواجه است.

لازم به ذکر است که بحث درباره معناشناسی و فهم مراد تفصیلی روایات معرفة الله بالامام، خود نیازمند مجال دیگری است که در مقاله دیگری بدان خواهیم پرداخت.

۵- راویان ثقة غیر وابسته به جریان های مشهور

۵-۱- ابوالصلت هروی

نجاشی در ضمن توثیق ابوالصلت (عبدالسلام بن صالح)، او را صحیح الحدیث و از اصحاب امام رضا علیه السلام معرفی می کند.^{۱۳۸} ابوالصلت یکی از احادیث وجه الله را گزارش کرده است. در این حدیث نسبتاً طولانی، امام رضا علیه السلام معنای وجه الله را برای این راوی تبیین فرموده و مراد از این تعبیر را دین خدا و حجج الهی دانسته اند که بقیه بندگان به وسیله ایشان متوجه به خدا می گردند.^{۱۳۹} به دلیل نقل حدیث توسط احمد بن زیاد همدانی (توثیق شده توسط صدوق)^{۱۴۰} و علی بن ابراهیم و پدرش ابراهیم بن هاشم از ابوصلت، انتساب این روایت به او قابل پذیرش است.

۱۳۶- ابن طاووس، جمال الاسبوع، ۵۰۷.

۱۳۷- خویی، معجم رجال الحدیث، ۲۶۵/۱۶.

۱۳۸- نجاشی رجال، ۲۴۵.

۱۳۹- ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ۱۱۵/۱.

۱۴۰- خویی، معجم رجال الحدیث، ۱۲۸/۲.

۲-۵- حسین بن محمد بن عامر اشعری

نام این راوی به طور مکرر در اسانید کتاب کافی مشاهده می شود. رجالیان به توثیق او پرداخته و او را از مشایخ کلینی معرفی می کنند.^{۱۴۱} نجاشی این راوی را با عنوان «حسین بن محمد بن عمران اشعری» توثیق می کند.^{۱۴۲} بررسی ها نشان گر این هستند که محمد بن حسین بن عامر و محمد بن حسین بن عمران، دو عنوان برای یک راوی اند و نجاشی در ترجمه این این راوی، او را به جدّ بزرگ ترش منتسب کرده است.^{۱۴۳} در مجموع نام این راوی در سند پنج روایت از احادیث معرفة الله بالا امام مشاهده می شود. یک مورد آن در ردیف احادیث نص بر وساطت قرار می گیرد. در این حدیث، امام صادق علیه السلام نقل می فرمایند روزی فردی به نام ابن کوّاء نزد امیرالمؤمنین آمد و تفسیر آیه ۴۶ سوره اعراف را از حضرت جویا شد. مولا علی علیه السلام در پاسخ، اعراف را به امامان تفسیر فرموده و راه خدا شناسی را به معرفت ائمه علیهم السلام منحصر کردند.^{۱۴۴} در روایت دوم، امام صادق علیه السلام از لزوم تسلیم محض در برابر امامان سخن گفته و تک تک امامان را باب الله و سبیل الله معرفی کرده اند.^{۱۴۵} این روایت از دسته احادیث وجه الله و باب الله به شمار می رود. دو روایت در باب «معرفة الامام و الردّ الیه» از کتاب کافی منقول است و به دسته احادیث رکنیت امام در توحید ملحق خواهند شد. در یکی از این دو حدیث، امام باقر علیه السلام در پاسخ به چستی معرفة الله، تصدیق خدا و رسول و تولّی و پذیرش امامان و تبرّی از دشمنان ایشان را راه خدا شناسی بیان می کنند.^{۱۴۶} روایت چهارم نیز بیان گر این است که انکار امامان به معنای انکار معرفة الله خواهد بود.^{۱۴۷} روایت پنجم صلواتی است که امروزه با نام صلوات ضراب اصفهانی از آن یاد می شود و از دسته احادیث رکنیت امام در توحید است. در این حدیث اهل بیت علیهم السلام در ضمن صلواتی با عنوان «دعائم دین» و «ارکان توحید» معرفی شده اند.^{۱۴۸}

بنابراین ۶ روایت از سوی راویان ثقه ای گزارش شده است که منتسب به سه جریان مذکور نیستند.

۱۴۱- مامقانی، تنقیح المقال، ۱۴/۲۳.

۱۴۲- نجاشی، رجال، ۶۶.

۱۴۳- خویی، معجم رجال الحديث، ۸۳/۷.

۱۴۴- کلینی، کافی، ۱۸۴/۱ و صفار، بصائر الدرجات، ۴۹۸/۱ و خزاز، کفایة الاثر، ۱۹۵.

۱۴۵- کلینی، کافی، ۱۹۶/۱.

۱۴۶- کلینی، کافی، ۱۸۰/۱.

۱۴۷- کلینی، کافی، ۱۸۱/۱.

۱۴۸- ابن طاووس، جمال الاسبوع، ۵۰۲.

۵- نتیجه

با بررسی سلسله سند احادیث معرفة الله بالامام با رویکرد جریان شناسی راویان این دسته روایات، بدین نتیجه دست یافتیم که با توجه به کمیت و میزان انتقال این احادیث، نقش جریان محدثان فقیه که غالباً از سوی رجال شناسان توثیق و تجلیل شده اند، از جریان متهمان به غلو و جریان هشام بن حکم بیشتر است. به طوری که می توان حدود ۲۵ روایت از احادیث معرفة الله بالامام را به جریان محدثان فقیه منسوب کرد. در حالی که مجموع روایات منقول از راویان متهم به غلو از چهارده حدیث تجاوز نمی کند. همین طور تنها ده روایت از این گونه احادیث قابل انتساب به جریان هشام بن حکم است. با توجه به حساسیت جریان محدثان فقیه و جریان هشام بن حکم به پدیده غلو و مضامین غلو آمیز، مشاهده شد که راویان متعلق به این جریان ها ناقل روایاتی اند که مضمون آن ها بیان گر مقامات بلندی همچون «وجه الله و باب الله» برای ائمه علیهم السلام و نقش ویژه ایشان در حصول معرفة الله است. بنابراین پذیرش مضمون این احادیث توسط راویان مبرا از غلو و متعلق به جریان های متفاوت، می تواند نشان از غالیانه نبودن این روایات و عدم اختصاص این گونه مضامین به غالیان و متهمان به غلو باشد.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. التوحید. قم: جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۹۸ ق.
۲. _____ الخصال. قم: نشر جامعه مدرسین، چاپ اول، ج ۱، ۱۳۶۲ ش.
۳. _____ آمالی. تهران: نشر کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش.
۴. _____ علل الشرائع. قم: نشر کتاب فروشی داوری، چاپ اول، ج ۱، ۱۳۸۵ ش.
۵. _____ عیون اخبار الرضا (علیه السلام). تهران: نشر جهان، چاپ اول، ج ۱، ۱۳۷۸ ق.
۶. _____ کمال الدین و تمام النعمة. تهران: نشر اسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ق.
۷. _____ معانی الاخبار. قم: نشر دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.
۸. ابن شاذان قمی، شاذان بن جبرئیل. الفضائل. قم: نشر رضی، چاپ دوم، ۱۳۶۳ ش.
۹. ابن قولویه، جعفر بن محمد. کامل الزیارات. نجف اشرف: نشر دار المرتضویه، چاپ اول، ۱۳۵۶ ش.
۱۰. ابن غضائری، احمد بن حسین. الرجال. قم: نشر موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۱۱. جوهری، احمد بن عبدالعزیز. مقتضب الاثر. قم: نشر طباطبائی، چاپ اول، بی تا.
۱۲. حلی، حسن بن یوسف. الرجال. قم: نشر الشریف الرضی، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ق.

۱۳. خویی، ابوالقاسم. معجم رجال الحديث. بی جا، بی نا، چاپ پنجم، ۱۴۱۳ق.
۱۴. رضاداد، علیه. مکتب حدیثی بغداد. مشهد: نشر آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۹۵ش.
۱۵. زراری، احمد بن محمد. رساله ابی غالب زراری. قم: نشر مرکز البحوث و التحقیقات الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۱۶. سند، محمد. بحوث فی مبانی علم الرجال. قم: نشر باقیات، چاپ دوم، ج ۲، ۱۴۳۷ق.
۱۷. سید بن طاووس، علی بن موسی. جمال الاسبوع. قم: نشر دار الرضی، چاپ اول، ۱۳۳۰ق.
۱۸. صفّار، محمد بن حسن. بصائر الدرجات. قم: نشر مکتبة آية الله المرعشي النجفي، چاپ دوم، ج ۱، ۱۴۰۴ق.
۱۹. طبرسی، احمد بن علی. الإحتجاج علی أهل اللجاج. مشهد: نشر مرتضی، ج ۲، ۱۴۰۳ق.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن. الرجال. قم: نشر مؤسسة النشر الإسلامي، چاپ سوم، ۱۳۷۳ش.
۲۱. _____ أمالی. قم: نشر دار الثقافة، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۲۲. _____ تهذیب الأحکام. تهران: نشر دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ج ۵ و ۶، ۱۴۰۷ق.
۲۳. _____ فهرست کتب الشيعة و أصولهم. قم: نشر مکتبة المحقق الطباطبائي، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۲۴. _____ مصباح المتہجد. بیروت: نشر مؤسسة فقه الشيعة، چاپ اول، ج ۱، ۱۴۱۱ق.
۲۵. عربی، علی بن جعفر. مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها. قم: نشر مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۲۶. عیاشی، محمد بن مسعود. التفسیر. تهران: نشر المطبعة العلمية، چاپ اول، ج ۱، ۱۳۸۰ق.
۲۷. فرات کوفی، فرات بن ابراهیم. التفسیر. تهران: نشر مؤسسة الطبع و النشر في وزارة الإرشاد الإسلامي، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۲۸. کراجکی، محمد بن علی. کنز الفوائد. قم: نشر دارالذخائر، چاپ اول، ج ۲، ۱۴۱۰ق.
۲۹. کاشی، محمد بن عمر. اختیار معرفة الرجال. قم: نشر مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، چاپ اول، ج ۲، ۱۴۰۴ق.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. تهران: نشر دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۳۱. کنی تهرانی، علی. توضیح المقال فی علم الرجال. قم: نشر مؤسسه علمی فرهنگی دار الحديث، چاپ اول، ۱۳۷۹ش.
۳۲. گرامی، محمد هادی. نخستین مناسبات فکری تشیع. تهران: نشر دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول، ۱۳۹۱ش.
۳۳. مامقانی، عبدالله. تنقیح المقال فی علم الرجال. قم: نشر مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۳۱ق.

۳۴. _____ تنقیح المقال فی علم الرجال (رحلی). بی‌جا، بی‌نا، چاپ اول، بی‌تا.
۳۵. مجلسی، محمدباقر. بحار الانوار. بیروت: نشر دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ج ۲۵، ۱۴۰۳ق.
۳۶. مفید، محمد بن محمد. المزار. قم: نشر کنگره جهانی هزاره شیخ مفید چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۳۷. _____ المقنعة. قم: نشر کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۳۸. نجاشی، احمد بن علی. الرجال. قم: نشر مؤسسة النشر الإسلامي، چاپ ششم، ۱۳۶۵ش

مقالات

۳۹. اقوام کرباسی، اکبر. «مدرسه کلامی کوفه». مجله نقد و نظر. شماره ۶۵ (بهار ۱۳۹۱): ۳۸-۶۵.
۴۰. سبحانی، محمدتقی. «کلام امامیه: ریشه‌ها و رویش‌ها». مجله نقد و نظر. شماره ۶۵ (بهار ۱۳۹۱): ۵-۳۷.
۴۱. شبیری زنجانی، موسی. «بررسی اختصار در عنوان محمد بن فضیل». پژوهش‌های رجالی. شماره ۶ (سال ۱۴۰۲): ۵-۲۶.
۴۲. رضایی، محمدجعفر. «امتداد جریان فکری هشام بن حکم تا شکل‌گیری مدرسه کلامی بغداد». مجله نقد و نظر. شماره ۶۵ (بهار ۱۳۹۱): ۹۱-۱۰۹.
۴۳. طالقانی، حسن. «مدرسه کلامی قم». مجله نقد و نظر. شماره ۶۵ (بهار ۱۳۹۱): ۶۶-۹۰.